

از عجایب و غرایب

۴

خر بخندید و شد از قهقهه سست زین عجایب که همه برسرما آمده است

امیرفیض- حقوقدان

این روزها جامعه بشریت حساسیت خاصی نسبت به حقوق انسان ها بمناسبت تعرض به دیگران از خود نشان میدهد. این حساسیت انحصارا درکشورهای اروپایی و آمریکا قابل مشاهده است درحدی که کسانی که درسالهای دور حتی تماس با دست به بدن زنان ودختران داشته اند امروزه مورد استیضاح جامعه قرار گرفته اند وجامعه هم ازاین بازبینی اخلاقی حمایت میکند بطوریکه شخصیت های سیاسی وخبرنگاران معروف هم مستثنی نشده اند. **این یک روی قضیه است که درکشورهای خارج میبینیم.**

اما روی دیگر قضیه

روی دیگر قضیه را میتوان درجمهوری اسلامی دید که فردی بنام سعید طوسی قاری قرآن مربی کودکان مدرسه قرن به ۱۳ کودک تجاوز جنسی تمام عیار کرده اعتراف هم کرده وتعدادی از آن ۱۳ مظلومان آسیب دیده سالهاست که به قوه قضائیه شکایت کرده اند ولی پرونده این شکایت از کشوی میز دادستان تکان نمیخورد؟ چرا؟

به این چرا دقت کنید

نظریه اول

← ایرانیان زیر لوای ولی فقیه زندگی حقوقی وسیاسی دارند؛ رابطه ولی فقیه با جامعه ایرانی رابطه ولی قهری با صغیر است، سعید طوسی به کسانی که تجاوز کرده است گرچه اکنون آنان بسن قانونی رسیده اند ولی ازنظرفقه تشیع و وجود ولی فقیه صغیر تشریف دارند و صغیر حق طرح دعوی ویا تصرف درحقوق خود را ندارد واین حق متعلق به ولی اوست و در تطبیق موضوع درست است که سعید طوسی به اطفالی خردسال تجاوز کامل جنسی کرده است ولی حق شکایت علیه طوسی با علی خامنه ای است که صاحب شرعی پائین تنه و همه بدن آن کودکان است.

نظریه دوم

← ولی فقیه درغیاب امام، مالک **جان** ومال همه اهل تشیع است؛ براین قاعده فقهی پائین تنه آن کودکان که مورد تجاوز سعید طوسی قرارگرفته ازنظرفقهی متعلق به ولی فقیه است، نه آن خردسالان که امروز به سنین بالا رسیده اند؛ بنابراین صاحب تعرض وشخص زیان دیده ولی فقیه است نه آن کودکان و ولی فقیه هم خوش ندارد که ازمتجاوز به جان وناموسش شکایت

کند و لاجرم دادستان که شکایتی از ناحیه ولی فقیه نمی بیند پرونده را در کشوی میزش بایگانی کرده است.

اعتراض و انتظار ابرانیان

انتظار مردم از تعقیب شکایت شاکیان سعید طوسی انتظار نامعقولی است؛ آنها خواستار جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بوده که به آن رسیده اند **اگر دادستان ویا مقامات مسئول لازم نمی بینند که جریان توقف شکایت از سعید طوسی را برای مردم تشریح کنند زیرا مردم صغیرند و در جامعه تشیع حکم کف را دارند و ضرورتی ندارد که برای کف مسائل مطرح شود.**